

امانت است - هر گاه بدون تفریط تلف شود از کیسه مالک رفته است و هر گاه بعد از انقضاء اجل تلف شود از کیسه مرتین رفته مثل مبیع به بیع فاسد و چنانکه به مجرد بیع صحیح مبیع مال مشتری است و آنچه او در ازاء مبیع میدهد از مال او تلف شده در بیع فاسد هم چنین است .

### نماء و ثمره رهن

نماء و ثمره یا متصل است مثل طول و سمن و یا منفصل است مثل میوه و اولاد حیوانات - در قسمت اول جزء مال الرهانه بوده و این موضوع متفق علیه است و صورت دوم مختلف فیه است که بعضی جزء رهن گرفته اند بدلیل آنکه چون نما تابع عین است و عین رهن است نماء هم رهن خواهد بود و مخالف این عقیده میگوید تبعیت نماء نسبت به اصل در موضوع ملکیت صحیح است نه در احکام و حکم آن تابع شرط ضمن المقد است .

### منافع رهن

هر گاه برای رهن منفعتی باشد مثل خانه و دکان

و حیوان چون هیچیک از طرفین بدون اذن دیگری مجاز در تصرف عین مرهونه نیستند بالاتفاق میتوانند اجازه بدهند و آنچه در نماء و ثمره گفته شد در اینجا نیز گفته اند و مخارج رهن بارهن است - حال اگر رهن در ید مرتین باشد و رهن اجازه در خرج داده باشد مرتین پس از تحمل آن از رهن اخذ میکنند و اگر اجازه نداد مرتین به حکم رجوع میکند و هر گاه مرتین از آن منتفع شد باید در امثال خانه و دکان اجرت را برهن بدهد و در امثال انتفاع از شیر حیوانات باید عوض را بدهد پس در صورتیکه مرتین مخارج را داده باشد و از آنهم منتفع شده باشد هر گاه هر یک از طرفین حق انتفاع و حق خرج خود بطرف دیگر واگذار نکنند مخارج و منافع باید موازنه شوند و زیاده و نقیصه پس از معلوم شدن داده یا گرفته میشود .

بهشتی

## قانون ازدواج

### و موضوع مورد حمایت آن

توجه کنیم :

و آن اینست که در بیشتر موارد ابتلاء و بلکه اکثریت قریب باتفاق حالاتی که پیش آمد کرده مربوط بدختران صغیر و دوشیزگانی بوده که هنوز از رشد واقعی بهره مند نگشته و عدم اهلیت طبیعی آنها با توجه بسنشان مورد اتفاق است .

حال اگر حالت عادی پیش آمدهای ازدواج را کنار

با توجه باینکه قانون برای حمایت افراد جامعه از متجاوزین بوده و مخصوصاً قانون ازدواج و موادی که در قانون مدنی در رشد و اهلیت لازم برای زناشویی قید شده تمام برای آنستکه افراد ضعیف و آنها که اسیر احساسات خام و نارسای خود میشوند از طرف قانونگذار مورد نظر مخصوص واقع و خطرات احتمالی که از شیوع این قبیل خانواده های نارس پیش میآید جلوگیری شود اکنون باید به نکته دقیق و باریک دیگری

را پاسخ دهیم: چه همانطور که در کلیه کشورهای متمدن رسم است برای تفسیر قانون همیشه از طرح قانونی که به مجلس پیشنهاد میشود و عملی و موجبات لازمه در وضع قانون را ذکر - معایب و مشکلات وضعیت قبلی که مردم مبتلا بودند تحت توجه و مشروحاً قید گردیده از طرفی - مباحثات و مذاکراتی که هنگام طرح هر قانون در مجلس مقننه بعمل میآید و توضیحات هر مخبر و پیشنهادها و هر گونه مذاکراتی که در آن محل می شود تمام مورد استناد است

پس با توجه باین مقدمه اکنون باینهم عوامل مزبور در قانون ایران از چه حکایت میکند:

برای اینکار وضعیت قبل از ظهور آنرا در نظر گرفته و بخاطر آوری که بیشتر شکایات و خطرات ناشیه از ازدواج های نارس مخصوصاً متوجه دوشیزگان میگردد که در مقام نسبت هم عدم رشد طبیعی آنها بهر اتب از جنس مرد زیاد تر و هم آثار بعدی ازدواج و مخصوصاً حمل جنین منحصر آدر آنها تولید مخاطراتی مینمود و هم جنبه فعالیت و عوامل مؤثر در تهییج احساسات در درجه اول و تردد اکثریت مردم با مردان بوده از این جهت نیز عمل زنان کاملاً جنبه منفی داشت. بر خلاف اگر در جنس مرد دقت کامل منظور گردد بخوبی معلوم میشود اولاً با فرض آنکه از دواج شخص غیر رشید با دوشیزه بالغی بعمل آید در صورتیکه از نظر طبیعی هنوز جوان مزبور کامل نباشد هیچگونه ضرری متوجه او نیست و بلکه محکوم است بشکیمائی و انتظار بر رشد عادی و چون همانطور که در بالا اشاره کردیم شوهر در مقام ناشوئی جنبه مثبت آنرا عهده دار میباشد در صورت عدم بلوغ و نداشتن اهلیت برای اینکار بدیهی است یگانه راه اصلاحش مرور زمان خواهد بود.

ثانیاً احتمال خطرات قابل وقوع هم در جنس مرد منفی است.

گذارده و عکس قضیه را تحت نظر آوری و توجه کنیم ممکن است زنی که بر شد طبیعی خود رسیده و از نظر اهلیت و استعداد جسمانی کاملاً از شرایط لازم برای ازدواج بهره مند است با پسری نابالغ ازدواج کنند آیا همان قانون و همان منظوریکه قانون گذار در حمایت افراد نابالغ و غیر رشید در نظر داشته نیز در این مورد رعایت خواهد شد - و بعبارت دیگر زنی که با چنین جوانی عقد همسری بسته قابل تعقیب جزائی هست (۱) یا نه؟ بدیهی است در مورد فوق هم مانند غالب موارد در عقیده موجود است:

### ۱- سرایت قانون بهر دو جنس (زن و مرد)

باین استدلال که قانونگذار در ماده ۱۰۴۱ عدم رشد و بلوغ اشخاص را با تشخیص سن (وقائل شدن اختلافی بین زن و مرد) تعیین و ازدواج آنها را که پائین تر از حد مزبور هستند ممنوع ساخته - از طرف دیگر ماده ۳ قانون ازدواج صریح است «که هر کس بر خلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسیکه هنوز بسن قانونی برای ازدواج نرسیده مزاجت کند بشش ماهی دو سال حبس نادیمی محکوم میشود - پس با توجه باین دو قانون مطلق ازدواج با غیر رشید چه از جنس مرد و چه زن ممنوع و گناه محسوب میشود.

### ۲- انحصار بز هکاری بشوهر

بدین توضیح در موضوع فوق که دارای بسی اهمیت است باید ببحث عمیق تری پرداخته سوابق - مشکلات و راه حل هر سه را در نظر آوری تا بتوانیم پرسش فوق

۱- قبل از بحث در موضوع شایسته است تذکر دهیم که این قسمت تنها فرض صرف نیست و از مرحله تصور پای بیرون گذارده است مخصوصاً در دهات و شهرستانها که مردم ساده زندگی می کنند بیشتر مورد ابتلاست.

ثالثاً علت وضع ایجاد قانون نیز همانا جلوگیری از همین معایب و مخاطرات قابل پیش بینی بود که در عمل بکرات پیش آمد کرده بود.

و اما از نظر متن قانون که تا اندازه اجازه تامل در تفسیر میدهد و برای روشن کردن قضیه از این جهت لازم است متن قوانین مربوطه را در نظر گرفت.

«ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی - نکاح اناث قبل از رسیدن»  
 «بسن پانزده سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن»  
 «بسن هیجده سال تمام ممنوع است معذک در مواردیکه»  
 «مصلحتی اقتضاء کند بایشهاد مدعی العموم و تصویب»  
 «محکمه ممکن است استثناء، معافیت از شرط سن اعطا»  
 «شود ولی در هر حال این معافیت نمیتواند به انائی داده»  
 «شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و بذکوری شامل گردد»  
 «که کمتر از پانزده سال تمام دارند»

پس بموجب این ماده عدم اهلیت و رشد در هر دو جنس (مرد و زن) ثابت و مسلم گردید از طرف دیگر ممنوعیت عقد ازدواج در هر دو جنس نیز قبل از رسیدن بسن معینی از متن قانون مفهوم میشود. لکن باید متوجه بود که این ممنوعیت و بطور کلی هر گونه منع قانونی مادام که دارای ضمانت اجرائی از نظر جزائی نباشد گناه تشخیص نشده و قابل تعقیب از نظر کیفری نیست.

ماده ۳ قانون ازدواج - «هر کس برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی یا کسی که هنوز بسن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند بشماه الی دو سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد در صورتیکه دختر به سن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد لا اقل بدو الی ۳ سال حبس تادیبی محکوم میشود و در هر دو مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس بجزای نقدی از دو هزار ریال الی ۲۰ هزار ریال محکوم گردد و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق موافقه منتهی بتقص یکی از اعضاء یا مرض دائم زن گردد مجازات زوج از ۱۰ سال حبس با اعمال شاقه است و اگر منتهی بفوت زن شود مجازات زوج حبس

دائم با اعمال شاقه است ۰۰»

حال اگر باتوجه بماده ۱۰۴۱ قانون مدنی بقسمت اول این ماده رجوع کنیم واضح میشود که قانون گذار بذکر کلمه هر کس خواسته است هر دو جنس (مرد و زن) را از حمایت خود بهره مند نموده و ازدواج فردی رشید با غیر رشید را از هر جنس که باشد گناه شناخته است.

لکن بنظر بعضی با توجه بسایر عبارات همان ماده تعبیر دیگری مورد توجه است باین معنی که چون با ذکر سابقه که از علت وضع قانون نمودیم و با توجه بخطرات احتمالی و اینکه از نظر طبیعی فقط زن ممکن است هدف آن گردد و بادر نظر گرفتن اینکه ماده ۳ قانون نامبرده در عبارات بعدی تمام اشاره بجنس زن داشته و مخصوصاً از شقوقی که در ماده مزبور قید شد «که اگر دختر بسن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد ۰۰۰۰ و یا اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق موافقه منتهی بتقص اندام یا مرض زن گردد» بخوبی واضح است که قانون گذار بعد از ذکر جمله کلی در آغاز ماده بتفسیر آن پرداخته و فقط از موارد قابل اتفاق در باره زن صحبت کرده و از اینجا میتوان کاملاً استنباط کرد که ازدواج زن رشید با جوان غیر رشید گناه نبوده و نه تنها مرد مزبور که خود هدف گناه و قانون برای حمایت او وضع شده قابل تعقیب کیفری نیست بلکه زن هم باتوجه بسوابق امر و علت وجود قانون و سکوت و عدم تصریح ماده ۳ بعکس قضیه و قابل تعقیب دانستن زن (در صورتیکه مرد غیر رشید باشد) گناهکار تشخیص نمیشود. خاصه اگر توجه کنیم که قانون گذار با وجود این چنین سابقه از ازدواج اشخاص غیر بالغ و برای جلوگیری از خطرات احتمالی بوضع قانون ناچار و چون خطرات مزبور منحصر متوجه نسوان بوده ذکر کلمه هر کس در ماده ۳ با تفسیرات بعدی خود کاشف از امکان تعقیب مردی است که بازن غیر بالغ ازدواج کرده باشد.

دکتر ع. اخوی